

چرا خدا من رو آفرید؟

به دنیا اومدن من چه فایده‌ای برام داره؟



خدا یا چرا من رو آفریدی؟

این سوالیه که خیلی وقتا از خودمون می‌پرسیم! مخصوصا وقتایی که یه چیزایی اون جوری که دلمون میخواد پیش نمیره

ولی جالبه بدونی که این سوال خیلی مهمیه یعنی اصلا سوالیه که اگه جوابش رو ندونیم! یا جوابی که پیدا می‌کنیم درست و کامل نباشه، از خیلی چیزا سر در نمیاریم!

یعنی خدا به ما نیازی داشته؟
اگه نه پس چرا ما رو آفریده؟

■ اصلاً بین این همه موجود مختلف ما کجای خلقت خداییم؟
اصلاً برای خدا مهمیم؟

اگه ما برای خدا مهمیم و دوستانمون داره
پس چرا این همه بدبختی میاد سراغمون؟
چرا هیچ چی اون جوری که دوست داریم پیش نمیره؟

هولوویدای

■ چرا خدا ما رو آفریده؟



QR کد را اسکن کنید.



■ خونه ما کجاست؟

■ یه نگاه به دوروبرتون بندازین!
تا حالا شده از خودتون بپرسین که این همه چیزای جورواجور تو این عالم
چه کار می‌کنن؟ اصلاً خدا واسه چی خلقشون کرده؟ من اینجا وسط اینا
چه کار می‌کنم؟ اصلاً چرا خدا من رو آفریده؟ خب مگه نمی‌گیم
خدا بی‌نهایت مطلقه و هیچ نیازی به چیزی نداره، پس هدفش از اینکه
ما رو گذاشته وسط این همه موجود جورواجور چی بوده؟

یه مدرسه رو در نظر بگیرین، کلی کلاس و تخته و میز و صندلی و آبخوری و حیاط و بوفه و معلم و ناظم و... داره. همه‌ی افراد و چیزهایی که اونجا هستن واسه‌ی موجودی به نام دانش آموز اونجا هستند؛ حالا اگه دانش آموز رو از این وسط برداریم، معلم قراره بیاد به کی درس بده؟

ناظم می‌خواد دم به دقیقه حال کی رو بگیره؟

بوفه می‌خواد به کی خوراکی بفروشه؟ تخته می‌خواد واسه‌ی بالا رفتن معلومات کی پر و خالی بشه؟ همه‌ی اینا به وجود دانش آموز ربط داره، درست همون جور که کل این عالم به وجود ما وابسته است، حتی اگه الان دلیل بودن خیلی از چیزها و ربطشون رو با خودمون کشف نکرده باشیم.

دانشگاه

بعیده که نظم دنیا بی‌خودی و
الکی پلکی باشه؟!!

تو با امید موافقی یا نه؛ فکر میکنی
همه چی با اتفاقات شکل گرفته؟



QR کد را اسکن کنید.



فکر میکنی احتمال اتفاقی بودن یه سری چیزا
چند میلیون درصد میتونه باشه؟!!

هدف خداچی بود؟

خدا که با همه ی خداییش کار الکی نمی کنه! قطعاً یه هدفی داشته که ما رو با این همه پیچیدگی و دنگ و فنگ آفریده، تازه کل این عالم رو هم واسه ما و نیازهامون خلق کرده. حالا به جای اینکه اینقدر بالا و پایین کنیم تا منظور خدا رو از این همه کار بفهمیم، بهتر نیست ببینیم نظر خود خدا راجع به هدفش از خلقت ما چی بوده و کلاً چرا خدا من رو آفریده؟

البته کار به همین جا ختم نمیشه! یعنی می دونین، خدا که محتاج چشم گفتن ها و حرف گوش دادن های ما نیست! اگه قرار به حرف گوش دادن باشه که خدا این همه فرشته خلق کرده که اصلاً روی حرفش نه نمی یارن و بی پرو برگرد دارن حرف های خدا رو گوش میدن! پس قضیه چیه؟

موضوع باز هم به خود ما برمیگرده! چون خدا خودش بارها گفته که رب و مری ماست. کار مری هم اینه که ما رو تمرین بده تا شکل خودش بشیم! یعنی هر چی اون داره ما هم داشته باشیم. خب ولی اینجا یه چیزی لازمه، که اون هم چشم گفتن یا بندگی کردن ماست! چون اگه قرار باشه مری ما هی به ما تمرین بده و ما واسه خودمون راست راه بریم و عین خیالمون نباشه یا بر و بر نگاهش کنیم و آخرش هم کار خودمون رو بکنیم که نمیشه! این جوری صد سال که نه، هزار سال هم بگذره شبیه مریمون نمیشیم! حالا این وسط هر کی بهتر چشم بگه و تمریناشو بهتر و دقیق تر انجام بده، بیشتر شبیه مریش میشه. درست مثل پیغمبر که از بس کار بندگیش رو قشنگ انجام داده بود، هم شد بهترین بنده خدا و هم شبیه ترین موجودی که تو کل عالم میشه نسبت به خدا پیدا کرد. فکر کنم دیگه تا حالا تقریباً فهمیده باشیم که منظور خدا از خلقت ما چی بوده و اصلاً چرا خدا من رو آفریده!

اگر هنوز جا نیفتاده هم بهتره یه سر به کهکشان درونمون بزنیم:



QR code را اسکن کنید.



منم بی خوام بی نهایت بشم!

یادتونه گفتیم که خدا از روح خودش توی ما دمیده و ما رو مثل خودش بی نهایت آفریده؟ خدا کمال مطلقه! ما رو هم طوری آفریده که عاشق بی نهایت و کمال باشیم. به خاطر همین هم یه جورایی کمال هر چیزی رو می‌خوایم! کمال زیبایی، کمال قدرت، کمال ثروت و خیلی چیزهای دیگه. اصلاً واسه همین که مدام از این شاخه به اون شاخه می‌پریم و می‌خوایم تو هر چیزی بهترین باشیم؛ چون دنبال نهایت کمالیم که میشه خود خدا!!

ما فقط کافیه بریم زیر نظر مریمون، تا هر چی کمال خودش داره و توی ما هم گذاشته، شکوفا کنه؛ یعنی کلاً همه‌ی فوت و فنای بی نهایت شدن و نامحدود شدن رو یادمون بده. اصلاً هدف خلقت ما همین بوده که بشیم شکل مریمون.

■ حالا هر چی که این کار رو بهتر انجام بدیم،

به اون هدفی که واسش خلق شدیم هم نزدیکتر میشیم.

منتها چون خیلی وقتا آدرس رو اشتباه میریم، جاهای دیگه دنبال کمال می‌گردیم و میزنیم به جاده خاکی! می‌ریم خودمون رو می‌کشیم که خوشگل‌ترین باشیم! یا کلی خسارت به بار میاریم که بگیم از همه قوی‌تریم یا دلمون می‌خواد همه‌ی ثروت دنیا رو داشته باشیم و اگه یه جعبه پر از جواهر بهمون بدن، می‌گیم کاشکی دوتا بود و... در صورتی که اینا همش بهانه ست، یه بهانه برای بی‌نهایت شدن و رسیدن به بی‌نهایت! چون ما از بی‌نهایتیم، دلمون هم می‌خواد بی‌نهایت بشیم! البته اینم بگم که همه‌ی پتانسیل‌های بی‌نهایت شدن رو هم داریم، فقط باید بگیم چشم و بریم زیر نظر مربی‌مون تا شبیه خودش بشیم! مثل خودش نامحدود و بی‌نهایت!

و یادمون نمیره که برای این اتفاق باید خیلی خیلی حواسمون رو جمع کنیم و از یاد گرفتن غافل نشیم! چون چیزایی که یاد می‌گیریم به وقتش مثل چراغ راهمون رو روشن میکنن!



Qr کد را اسکن کنید.